

## بهبود کیفیت زندگی در شیراز؛ از ادعا تا واقعیت

علی محمد پشوتن

خبرنگار محلی

شهرداری شیراز مدعی است که به واسطه انجام اقدامات عمرانی و خدمات شهری، کیفیت زندگی در این کلانشهر را طی دو سال اخیر، ارتقا بخشیده، حال آنکه بسیاری با این نگاه و ادعا همسو نیستند و در مقابل معتقدند که تنها شاهد توسعه‌ای هستند که هنوز در حل مسائل گذشته و امروز و آینده، توفیق زیادی نداشته است. با وجود آنکه نمی‌توان عملکرد خوب عمرانی در اجرای پروژه‌های زیرساختی به‌ویژه در زمینه تکمیل رینگ پیرامونی، تلاش برای ایجاد بسترهای سرمایه‌گذاری، توسعه فیزیکی خطوط قطار شهری و کسب رضایت علاقه‌مندان به کساندن پای توری و به بافت تاریخی و در جوار حرمین شریف شاهچراغ (ع) و سیدعلاءالدین حسین (ع) و... را نادیده گرفت اما مدیریت شهری شیراز در حوزه‌های انسانی، موفقیت کمتری را تجربه کرده است. عطف توجه به توسعه معابر ویژه سواری و بی‌ریگ شدن اهمیت مردم‌محوری، موفق نبودن در ایجاد بازار چه‌های عرضه مستقیم کالا، کم‌رنگ شدن اقدامات موثر در حفظ محدوده بافت تاریخی، فرهنگی، جلب و جذب گردشگران و نفوذ تویل‌های قطار شهری تا لایه‌های زیرین این بافت و مراکز مهم گردشگری نظیر حافظیه، رشد روزافزون ترافیک اتومبیل و تلاش برای توسعه معابر سواری، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی در بخش اتوبوسرانی، توسعه نایفتم خدمات قطار شهری به‌غیرم افتتاح فاز یک خط دوم مترو، تمرکز نقطه‌ای بر برخی مناطق و فاصله گرفتن از توسعه متوازن شهری و... بخشی از مباحث قابل تقدیر در حوزه مدیریت شهری است. از طرف دیگر جلسات به‌اصطلاح خبری برگزار شده از سوی شهردار و شهرداری شیراز عمدتاً به نشست‌هایی با مونولوگ شهردار، رئیس و برخی اعضای شورای بدل شده که در آن اکثر نمایندگان رسانه حاضر به‌جای دنبال کردن دغدغه‌های شهروندان، مسیر دریافت رپورتاژ و هدیه‌رایی می‌گیرند. واقعیت امروز شیراز در کنار اجرای طرح‌های متعدد عمرانی و خدمات شهری که بیشتر متمرکز در برخی مناطق شهرداری بوده و کلیت این کلانشهر را در بر نمی‌گیرد، رشد شدید ترافیک در اغلب ساعات و همه نقاط، توقف طرح‌های انسان محور نظیر پیاده‌راه، دوچرخه‌راه و... توسعه مراکز تجاری، رشد غافلگیرکننده تراکم ساخت‌وساز به‌ویژه در نقاط دارای مرغوبیت، بی‌سامانی و نابرابری روزافزون ورودی‌های شهر، تداوم معضلی تحت عنوان کم‌رندی (که در سال‌های اخیر به یک مسیر درون شهری بدل شده است)، رشد چشمگیر دستفروشی و مصائب ناشی از آن، حذف امکانات ورزشی از اغلب پارک‌ها و بوستان‌ها، نبود فضاهای مناسب بازی برای کودکان و نوجوانان، کم‌روفتی مراکز به‌اصطلاح فرهنگی وابسته به شهرداری و... است. اگر چه دستفروشی و افزایش چشمگیر زنان دستفروش، تحت تاثیر عوامل متعدد به‌ویژه مباحث اجتماعی و اقتصادی و فشارهای ناشی از تداوم تورم و ناتوانی دولت در کنترل این مسائل است، اما مدیریت شهری شیراز هم نشان داد که جز توسعه سواره‌راه‌ها و اقدامات پروژاگاندا، نگاه جدید و رافع مشکلات به عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی ندارد. اگرچه یکی از فاکتورهای مهم در ارزیابی اقدامات فرهنگی اجتماعی، توان یک سیستم در ارتقای فرهنگ در مجموعه تحت مدیریت خودش است، موضوعی که با نگاهی اجمالی به شیوه مواجهه پرسنل شهرداری در بخش‌های مختلف با شهروندان به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل عمومی و خصوصاً در اتوبوسرانی، بهتر متوجه آن خواهیم شد. با وجود آنکه نمی‌توان اقدامات مدیریت شهری در بخش عمرانی را به‌کل نادیده انگاشت و از کنار اثرگذاری آن عبور کرد، اما سوال این است که چرا چاره‌ای برای حل معضل ترافیک به‌ویژه در محدوده مرکزی شیراز که از حدود یک‌دهه قبل تابلوهای تعیین‌کننده این محدوده هم نصب شده است، نمی‌شود؟ چرا مدیریت شهری به‌جای حل مشکل ترافیک، با صدور مجوزهای تجاری به‌ویژه تجاری خطی، خود به‌عملی مهم در ایجاد و گسترش ترافیک بدل شده است؟ چرا در حالی که ایجاد پارکینگ در محدوده ترافیکی کلانشهرها به‌عنوان عاملی مهم و موثر در ایجاد گسترش ترافیک تلقی می‌شود، مدیریت شهری بیشترین حجم از توقفگاه‌ها را در این محدوده احداث کرده یا به سازندگان آن مجوز داده است؟ چرا مسیرهایی نظیر بلوار شهید چمران که زمانی نه‌چندان دور، بزرگترین و زیباترین پارک حاشیه‌ای کشور تلقی می‌شد، با صدور مجوزهای متعدد به‌مسیری تجاری بدل شده است؟ مدیریت شهری شیراز مدعی ارتقای کیفیت زندگی شهروندان این کلانشهر است؛ ادعایی بسیار بزرگ که قطعاً در ظاهر این شهر چندان مشهود نیست؛ شهری که در سال‌های اخیر به میزان رشد شدید جمعیتی، رشد فضاهای تفریحی و سرگرمی را تجربه نکرده، هر روز بیشتر از ترافیک رنج برده و اگر همچنان هوایی سالم دارد به‌واسطه صنعتی نبودن است و نه اقدامات شهرداری، شهری که ساخت‌وساز در آن همچنان فاقد برنامه‌ریزی دقیق بوده و هماهنگی بین‌دستگاهی همانند گذشته در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

او می‌گوید که مکانیسم فعالی برای شناسایی این کودکان وجود ندارد، حتی کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند هم مدام با سنگ‌اندازی نهادهای مختلف مواجه می‌شوند. وقتی برای ثبت‌نام این کودکان اقدام می‌شود، مدیران مدرسه می‌گویند که باید پدر و مادرشان بیایند، به شما ارتباطی ندارد. در مناطق حاشیه‌نشین هم به دلیل تراکم تعداد دانش‌آموزان، مدیران از زیربار ثبت‌نام این دانش‌آموزان فرار می‌کنند و هر بار بهانه‌های می‌آورند؛ از بازگوشی دانش‌آموزان تا موارد دیگر. در برخی از این محله‌ها هم مدیران مدارس علاقه‌ای ندارند کودکان قوم غربت را ثبت‌نام کنند. مثلاً می‌دانند که والدین‌شان مصرف‌کننده یا فروشنده مواد مخدر هستند و نمی‌خواهند ثبت‌نام‌شان کنند. این کودکان به‌تدریج از چرخه تحصیل خارج می‌شوند. در ملک‌آباد، پاکدشت و خاکسفید نمونه‌های زیادی از این کودکان وجود داشتند. نکته دیگر اما موارد عجیبی است که به این مددکاران گزارش می‌شود؛ مثل مدرسه‌ای در کرج که از ثبت‌نام دانش‌آموزی که شناسنامه دارد، پدر ایرانی و مادر افغانستانی است، خودداری کرده بود. مدیر مدرسه به خانواده گفته بود که چون مادر غیرایرانی است، کودک هم جزو اتباع شناخته می‌شود و باید برای ثبت‌نام شهریه بدهد؛ سه تا چهار میلیون تومان. به همین دلیل هم برای سنجش به دانش‌آموز برگه‌ای داده نمی‌شد.

### ▼ تولید کودک کار

طاهره پژوهش، مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان و فعال این حوزه به «هم‌میهن» می‌گوید که «ثبت‌نام بدون قیدوشرط از کودکانی که در سن مدرسه به‌سر می‌برند»، شعار اصلی ماست. قانون باید به‌نفع این کودکان تغییر کند. وقتی مانع بر سر راه تحصیل کودکان گذاشته می‌شود، شرایط را برای درس‌خواندن و رفتن‌شان به سمت کار فراهم می‌کنند؛ یعنی تولیدکننده‌ی کودک کار می‌شوند: «بر اساس قانون اساسی و پیمان‌نامه حقوق کودک، دولت مکلف است، امکان تحصیل را برای همه فراهم کند. ما نمی‌توانیم بگوییم که پدر و مادر کودک چه کسانی هستند تا حق تحصیل داشته باشند.» به گفته پژوهش، وضعیت اقتصادی به‌خودی خود منجر به بازماندگی کودکان از تحصیل می‌شود، بنابراین نباید وضعیت را برای این افراد تشدید کرد: «با وخیم‌شدن وضعیت اقتصادی، خانواده‌ها در پایین‌ترین دهک‌ها، ناچار می‌شوند دست به انتخاب بزنند. یعنی از میان چند فرزندشان که به مدرسه می‌روند، تنها یک نفر را در مدرسه بفرستند. نداشتن اوراق هویتی، کد یکتا، نداشتن آشنایی با روند پیگیری‌ها و... باعث خستگی خانواده‌ها می‌شود و در نهایت این کودک است که از تحصیل محروم می‌شود.»

این فعال حقوق کودک می‌گوید که در این میان کودکان حاصل ازدواج‌های موقت با اینکه ایرانی هستند هم با این مشکلات مواجه‌اند: «اینقدر برای ازدواج موقت تبلیغ می‌شود، باید بدانیم که حاصلش فرزندانی بدون شناسنامه است. چرا که در بسیاری از موارد صیغه‌نامه از بین رفته یا درست نوشته نشده است و در نهایت منجر به محرومیت کودک از اوراق هویتی می‌شود. این افراد تا زمانی که بچه به مدرسه نرود، برای شناسنامه‌دار کردنش احساس نیاز نمی‌کنند.» او می‌گوید که به‌دلیل خودداری از تحصیل تعداد زیادی از کودکان در مدارس، خانه کودک ناصر خسرو، ناچار شده کلاس دوم و سوم را تعطیل و برای پایه اول، دو کلاس برگزار کند. در چنین شرایطی چرا نباید دانش‌آموز ترک تحصیل کند؟ وضعیت فعلی، این افراد را به‌سمت بازار هل می‌دهد. آنها می‌گویند چرا باید درس خواند؟ وقتی می‌توان در بازار کار کرد و چندده میلیون تومان پول درآورد، بعداً هم یک مدرک دیپلم خرید.

این دانش‌آموزان بی‌دلیل در سامانه پذیرفته نمی‌شود، تمدید مدارک این دانش‌آموزان بسیار زمان‌بر است، سال گذشته در مهر و آبان‌ماه اعلام شد که باید مدارک را تمدید کنند، با اینکه مددکاران، وضعیت را به مدیران مدارس تشریح می‌کردند اما باز هم دانش‌آموزان را ثبت‌نام نمی‌کردند. گاهی هم این بهانه آورده می‌شود که سیستم ثبت‌نام بسته است. نکته دیگر، ابهام در صدور برگه سرشماری یا مدارک دیگری برای این افراد است. امسال تا همین حالا خبری از این موضوع نیست و افرادی که در ایران به دنیا آمده‌اند، چون از قبل پاسپورت نداشتند و برگه حمایت تحصیلی هم فقط برای محصلان صادر می‌شد، نتوانستند مدرکی دریافت کنند. هزینه ثبت‌نام از مهاجران و نبود قانون مشخص و یکسان، مشکل دیگری است که باعث این است که تعداد کودکان بیشتر از ظرفیت مدارس به‌ویژه در مناطق حاشیه و فقیرنشین است. اداره آموزش و پرورش گاهی با دادن نامه، برخی مدارس را مجبور به ثبت‌نام می‌کند اما این روند همیشه طی نمی‌شود، به‌ویژه در ارتباط کودکان مهاجر که بعضاً به آنها گفته می‌شود تعدادشان زیاد است و جا نداریم. یا آنقدر معطل می‌کنند که خانواده منصرف می‌شود و زمان ثبت‌نام می‌گذرد.

کارت هوشمند هم که اخیراً قرار است به‌جای کارت حمایت تحصیلی سابق داده شود، قانون مشخصی ندارد. مراکز اتباع اعلام کرده‌اند ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان، برخی قسطلی و برخی یکجا این مبلغ را دریافت می‌کنند.

### ▼ خودداری از ثبت‌نام به‌دلیل اعتیاد والدین

یکی از این فعالان اجتماعی که سال‌ها در حوزه آموزش کودکان در شرق تهران فعالیت کرده و نخواست نامش در گزارش بیاید، به هم‌میهن می‌گوید که بخشی از مشکلات ثبت‌نام نکردن دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان ایرانی، نداشتن شناسنامه و اثبات نشدن ایرانی‌بودن‌شان است. زمانی که ازدواج پدر و مادر مشخص نیست یا پدر برای فرزندش شناسنامه نگرفته، درگیر اعتیاد بوده، یا اینکه پدر و مادر متارکه کرده‌اند و هیچ‌کس برای کودک شناسنامه نگرفته است، شرایط برای بازماندگی از تحصیل کودک فراهم می‌شود. قبلاً یکی از مسئولان در قوه‌قضائیه حضور داشت که دغدغه‌مند بود و برای صدور اوراق هویتی برای این افراد، همکاری می‌کرد، اما حالا دیگر چنین ستمی وجود ندارد. او می‌گوید که در یک دوره‌ای در منطقه خاک‌سفید، مددکاران نتوانستند برای ایرانیان بدون مدارک هویتی، شناسنامه بگیرند، اما تعدادی جا ماندند. حالا فرزندان همین افراد هم بدون شناسنامه مانده‌اند.

به گفته این مددکار اجتماعی، تا سه، چهار سال پیش سیاست اینطور بود که تمام کودکان به مدرسه بروند، اما حالا شرایط تغییر کرده و به این راحتی کودکان را ثبت‌نام نمی‌کنند: «قبلاً مدرسه ثبت‌نام می‌کرد و می‌گفت که بعداً مدرک بیاورید، در نهایت طی پروسه‌ای دو، سه ساله موفق می‌شدند شناسنامه بگیرند، اما حالا مشخص نیست که این وضعیت چقدر طول می‌کشد. هر چند وقتی هويت پدر و مادر مشخص باشد، این روند سریع‌تر انجام می‌شود اما وقتی هويت نامعلوم باشد، کار به‌شدت سخت می‌شود.»

بر اساس اعلام او، بیشترین دلیل بازماندگی از تحصیل این کودکان، به دنیا آمدن آنها در خانواده‌های آسیب‌دیده و درگیر اعتیاد است. ایرانیانی که نتوانسته‌اند شناسنامه بگیرند بیش از همه در مناطقی مانند خاک‌سفید، دروازه‌غار و... دیده می‌شوند. در سایر محلات، بیشترین مشکل را مهاجران دارند. به گفته این مددکار، در این موارد اغلب با گرفتن پول، بچه‌ها را ثبت‌نام می‌کنند که پایین‌ترین مبلغ هم ۵۰۰ هزار تومان است. گاهی حتی برای این کودکان کتاب هم خریده نمی‌شود و آنها مجبورند با هزینه‌های بالاتری کتاب بخرند.

است، کدملی این افراد قرمز است و شاکای خصوصی دارند بانوجه به حضور نداشتن والدین در این وضعیت، بانوجه به مصلحت کودک از قاضی پرونده خواسته می‌شود به‌صورت موقت ممنوع‌الخدمات بودن پدر یا مادر برداشته شود تا کودک از حق داشتن اوراق هویتی برخوردار شود. «بر اساس اعلام این کارشناس حقوقی، چندین میلیون کودک حاصل از روابط بدون ازدواج ثبتی هستند؛ مادر پس از زایمان در بیمارستان باید بدون اوراق زوجیت ثابت کند که پدر نوزاد، ایرانی بوده یا اتباع اما این روند هم سخت و پیچیده است و بسیاری از زنان به‌دلیل مشکلات معیشتی و مالی تن به ازدواج با افراد افغانستانی می‌دهند. البته نباید فراموش کرد که برخی از تولدها در خانه اتفاق می‌افتد که باید برای گرفتن اوراق هویتی، استشهادهای محلی پر کرد، از پدر و مادر آزمایش دی‌ان‌ای گرفت و با حضور کودک، آزمایش ژنتیک انجام شود تا نسب مادر و پدر و فرزند ثابت شود، گاهی هم قاضی به‌صورت جداگانه از آگاهی یا پلیس امنیت استعلام می‌گیرد که در تاریخ مشخصی که این کودک به دنیا آمده، آیا پرونده کودک‌بابی یا گمشده تشکیل شده است یا خیر. در برخی موارد هم کودک از سوی خانواده‌ای خریده می‌شود، که اسناد هویتی ندارد و در روند پیگیری این مسئله با موشکافی مشخص می‌شود.

### ▼ ۲۰۰ شناسنامه برای کودکان آسیب‌دیده

محمدپور می‌گوید که از سال ۹۶ تاکنون حدود ۲۰۰ شناسنامه برای این کودکان صادر شده؛ هر چند صدور این شناسنامه‌ها معمولاً زمان‌بر است و تنها استعلام از ثبت احوال و نهادهای امنیتی، چندین‌ماه زمان می‌برد که با همکاری قوه‌قضائیه این روند تسریع می‌شود، برای برخی از پرونده‌ها بیش از سه‌سال روند پیگیری ادامه دارد و به‌تازگی جویب‌های از استان مورد نظر آمده است. در نهایت هم اگر شناسنامه کودک حاضر نباشد، با پیگیری‌های فراوان، کودک با حکم و همکاری قضایی در مدرسه مورد نظر ثبت‌نام می‌شود؛ این روند بسیار سخت است چرا که در نهایت گاهی وزارت آموزش و پرورش از اجرای دستور قوه‌قضائیه استنکاف می‌کند لازم است پیگیری‌های بیشتری از فرمانداری یا استانداری صورت گیرد، مانند گرفتن کد یکتا.

به گفته این کارشناس حقوقی، طی شش‌ماه زمان داده شده تا اقدامات قانونی برای گرفتن شناسنامه آنها صورت گیرد. تیرماه سال ۱۴۰۰ براساس دستور مقام معظم رهبری، کودکان افغانستانی باید مدرک هویتی به‌طور مستقیم و کودکان بدون مدارک هویتی از طریق دفاتر کفالت اداره امور اتباع و مهاجران خارجی ثبت‌نام شوند. با این حال اما سرنوشت دیگری در انتظار این کودکان است: «در بحث بازمانده از تحصیل قبلاً رهبری گفته بودند که همه ملزم به آموزشند و طبق بخشنامه‌ای که در همین زمینه صادر شد، باید تمام اتباع افغانستانی در مدارس ثبت‌نام می‌شدند اما پس از ماجراهای اخیر در ارتباط با مهاجران افغانستانی غیرمجاز، آنها را در مدارس ثبت‌نام نمی‌کنند.» بر اساس اعلام او، کودکان بدون شناسنامه و اوراق هویتی، در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارند؛

بازماندگی از تحصیل آنها را در این وضعیت قرار می‌دهد. در میان پرونده‌های آنها، کودکان بدون شناسنامه حاصل ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بسیار دیده می‌شود: «ماده‌ای تصویب شد که بانوجه به مسئله مهاجران افغانستانی، با شرایط خاص‌تری به کودکان حاصل ازدواج صادر ایرانی و پدر افغان، شناسنامه داده می‌شود و الزام به ثبت ازدواج آنان یکی از موارد بود. در تهران شش پرونده از این دست داریم که هرکدام از آنها دو فرزند و یکی از آنها چهار فرزند دارد. در تمام پرونده‌های ذکر شده اثبات نسب اثبات زوجیت عده در عده با پیگیری و گرفتن وکیل و گزارشات مددکاری به مقام قضایی اقدامات لازم صورت می‌گیرد.»

این همان نکته‌ای است که محمدعلی، سرپرست شعب مؤسسه مهرآفرین درباره‌اش نکته دارد، به گفته او، تا سال گذشته فرزند حاصل ازدواج صادر ایرانی با پدر افغان، می‌توانست شناسنامه یک‌طرفه از سوی مادر بگیرد، اما از سال گذشته این روند متوقف شد. این کودکان برای رفتن به مدرسه باید از فرمانداری یا استانداری نامه داشته باشند تا بتوانند به مدرسه بروند. برای کودکان افغانستانی هم این مسئله بستگی به قانونی یا غیرقانونی بودن حضور آنها در ایران دارد. مدارس اجازه ثبت‌نام کودکان افغانستانی غیرقانونی را ندارند و باید برای رد مرز معرفی شوند. به‌دلیل همین موارد قانونی است که هنوز گروهی از دانش‌آموزان ثبت‌نام نکرده‌اند.

پشت درهای بسته

در شرایطی که انتقادات فراوانی به وضعیت ثبت‌نام دانش‌آموزان آسیب‌دیده وارد می‌شود، جمعی از مددکاران اجتماعی فعال در حوزه آموزش دست به‌کار شدند و گزارش از مجموعه چالش‌های پیش‌روی این افراد تهیه کردند. در بخشی از این گزارش، به وضعیت کودکان غیرایرانی اشاره شده با این توضیح که تمام مشکلات این افراد نشأت‌گرفته از اجرا نکردن شفاف و مشخص قوانین در ارتباط با مدارک هویتی و نحوه زندگی آنهاست؛ موضوعی که منجر به برخی سوءاستفاده‌ها مثل درخواست پول بیشتر از سوی مدارس برای ثبت‌نام آنها شده است. در این گزارش بخشی از چالش‌ها عنوان شده؛ مثل انتظار طولانی برای اعلام بخشنامه ثبت‌نام، درحالی‌که وقتی دانش‌آموز سال قبل در مدرسه ثبت‌نام شده، نباید برای پایه بعدی با مشکل مواجه شود. ثبت‌نام در سامانه سهمها با کد یکتا انجام می‌شود اما کد یکتای برخی از



علی محمد پشوتن